

دریچه

تجلیل منتقدان «راتن تومیتوز»، تشکر تام کروز جایزه بهترین فیلم اکشن برای «ماموریت غیر ممکن ۷»



تام کروز پس از دریافت اولین جایزه برای فیلم «ماموریت غیر ممکن ۷» از منتقدان و طرفدارانش تشکر کرد. به نقل از کولیدر، تام کروز قدردانی خود را از طرفداران و منتقدان پس از دریافت اولین جایزه بزرگ برای فیلم «ماموریت غیر ممکن: روزشمار مرگ» به اشتراک گذاشت.

به تازگی سایت «راتن تومیتوز» جایزه «گوجه فرنگی طلایی» خود را به این فیلم به عنوان برنده جایزه بهترین فیلم اکشن و ماجراجویی سال ۲۰۲۳ اهدا کرد. این سایت پس از آن با انتشار ویدیوی جدیدی از کروز که به افتخار فیلمی که این جایزه را به دست آورده، از منتقدان و طرفدارانش تشکر می‌کرد، نشان داد وی چقدر به این فیلم مفتخر است.

وی در پیامش گفته است از طرف کل تیم «ماموریت غیر ممکن» از منتقدان و طرفداران برای برنده شدن جایزه گوجه‌فرنگی طلایی تشکر می‌کند.

کروز در این ویدیو افزود: ما این فیلم‌ها را برای تک تک شما می‌سازیم. من از طرف کارگردان کریستوفر مک‌کسوری، همه بازیگران و دست‌اندرکاران ساخت فیلم صحبت می‌کنم و می‌گویم ما هیجان زده‌ایم و واقعا مفتخریم که نه تنها یکی از بهترین فیلم‌های سال، بلکه بهترین فیلم اکشن با نقد و بررسی در سال ۲۰۲۳ هستیم.

فیلم مفتخ «ماموریت غیر ممکن» با نامزدی در بخش بهترین جلوه‌های ویژه در جوایز منتخب منتقدان شناخته شد که در نهایت جایزه به «پونهایمر» کریستوفر نولان رسید. این فیلم همچنین نامزدی گلدن گلوب برای دستاوردهای سینمایی و باکس آفیس را کسب کرد که جایزه به «باربی» رسید. تام کروز همچنین برای بازی در نقش اینت هانت در «روز ششمار مرگ» به عنوان بازیگر مرد سال فیلم و ستاره فیلم اکشن نامزد شده است. در همین حال دنباله هفتم «ماموریت غیر ممکن» در فهرست نامزدهای اسکار برای بهترین صدا و بهترین جلوه‌های ویژه جای گرفته است.

«روزشمار مرگ» امتیاز ۹۶ درصد را در سایت راتن‌تومیتوز ثبت کرده و به‌عنوان یک اکشن درجه‌یک تحسین شده است؛ با این حال این فیلم که با بودجه نجومی ۲۹۱ میلیون دلاری ساخته شده به اولین فیلم از این مجموعه بدل شد که در گیشه در حد انتظار ظاهر شد. این فیلم در سینماها با عنوان «روزشمار مرگ قسمت اول» اکران شد اما به تازگی گزارش‌هایی منتشر شد که قسمت اول از عنوان آن حذف شده و دنباله بعدی هم عنوان دیگری خواهد داشت. «ماموریت غیر ممکن: روزشمار مرگ» از ۲۵ ژانویه در پارامونت پلاس در دسترس قرار گرفته و گفته شده فیلم هشتم این مجموعه ۲۳ می ۲۰۲۵ در سینماها اکران می‌شود.

جنگنده ممنوعه صدر نشین گیشه شد!



اکشن بالیوودی «جنگنده» با فروش ۲۵.۱ میلیون دلاری، پر فروش‌ترین فیلم آخر هفته در گیشه جهانی سینما نام گرفت. فیلم «جنگنده» به کارگردانی سیدارت آناند که حول محور نیروی هوایی هند می‌چرخد و از ۲۶ ژانویه در ۲۳ منطقه اکران شد با فروش ۲۴.۵ میلیون دلار در سرتاسر جهان پر فروش‌ترین فیلم گیشه هفته سینمای جهان نام گرفت که ۲۰.۸ میلیون دلار از این فروش از محل بازارهای بین‌المللی کسب شده است. این فیلم با بازی «رتیک روشن»، «دیپیکا پادوکن» و «آنیل کاپور» در گریه‌های هند با پاکستان را به تصویر می‌کشد و نمایش آن در سراسر خاورمیانه که جمعیت زیادی از کارگران مهاجر پاکستانی وجود دارد ممنوع شده است. قسمت قبلی این فیلم با نام «پاتان» با بازی شاهرخ خان، یکی از بزرگترین و موفق‌ترین فیلم‌های سینمای هند در سال ۲۰۲۲ بود. «جنگنده» در چهار روز نخست اکران در آمریکای شمالی ۴.۳ میلیون دلار فروخته مدت زمان ۱۷.۷ میلیون دلار در هند فروخته است. پیش تولید به دلیل همه‌گیری کووید ۱۹ بارها به تعویق افتاد اما سرانجام فیلم‌برداری اصلی در نوامبر ۲۰۲۲ در حیدرآباد، جامو و کشمیر و بمبئی آغاز شد و تا اواخر اکتبر ۲۰۲۲ به پایان رسید. این فیلم در ابتدا برای اکران در سینماها در ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲ برنامه‌ریزی شده بود اما به دلیل تأخیر در تولید به دلیل همه‌گیری کووید ۱۹ به تعویق افتاد و نهایتاً از ۲۵ ژانویه در هند اکران خود را آغاز کرد.

همدلی احمد رضا حجاز زاده: ماندانا نیک‌اعتقاد،

متولد ۲۹ خردادماه سال ۱۳۵۶، فارغ‌التحصیل رشته حسابداری در مقطع لیسانس از دانشگاه آزاد تهران است. او از دوران نوجوانی به ادبیات و شعر علاقه فراوانی داشته و در دوره دبیرستان برای مجله‌ی «سوره‌ی نوجوان» مطلب و شعر نو می‌نوشته است. مدتی نیز به عنوان خبرنگاری افتخاری با آن نشریه همکاری داشت و به تهیه گزارش می‌پرداخت اما مهاجرت او به آمریکا و تولد فرزندانش، چند سالی میان این نویسنده و نوشتن فاصله انداخت؛ اگرچه همیشه تازه‌ترین کتاب‌های فارسی‌زبان را از کتابخانه شهر محل اقامتش به امانت می‌گرفت تا از تازیناطش با کتاب‌خواندن هرگز قطع نشود. چند سال بعد، وقتی فرزندان او بزرگ‌تر شدند، نوشتن را دوباره از سر می‌گیرد و این بار به عضویت انجمن ادبی فارسی‌زبان شهر درمی‌آید. در سال ۹۸ اولین جرقه‌های نوشتن و انتشار کتاب در ذهن او شکل می‌گیرد؛ به همین دلیل با کمک دوستی قدیمی در تهران، در یک کلاس نویسندگی آنلاین شرکت می‌کند و بلافاصله ایده‌ای برای نگارش یک رمان کوتاه درباره‌ی مهاجرت به ذهنش می‌رسد و تصمیم می‌گیرد ایده‌اش را عملی کند؛ این گونه نخستین رمان ماندانا نیک‌اعتقاد با عنوان «غربت وطن من است» متولد می‌شود. این کتاب، در واقع داستان زندگی پرفرازونشیب دوست و همکار اوست که ابتدا با ندکی تغییرات در چند فصل نوشته می‌شود و در نیمه‌های کتاب، نویسنده تصمیم می‌گیرد داستان راوی اثر، یعنی خودش را نیز به کتاب بیفزاید. ولی از آن‌جا که قصد ندارد داستان حقیقی خود را بنویسد، شخصیتی فرضی را برای روایت موزی با شخص اول کتاب انتخاب می‌کند. نیک‌اعتقاد درباره‌ی انگیزش از نگارش این کتاب می‌گوید: «قدم اول بود دو مدل مهاجرت را مقایسه بکنم: آن‌ها که با سختی و مصیبت فراوان به کشور غریب آمریکا وارد می‌شوند و افرادی که به آسانی در لاتاری برنده می‌شوند و به آمریکا مهاجرت می‌کنند اما در نهایت هر دو با مشکلات و مسائل عاطفی، اقتصادی و فرهنگی مشابهی در این کشور روبرو می‌شوند.»

با ماندانا نیک‌اعتقاد به پهنای چاپ نخستین اثر داستانی‌اش گفتگو کردیم. \* نویسنده‌گان تازه کار معمولاً اولین گام‌های خود را در نویسندگی با نوشتن داستان کوتاه شروع می‌کنند اما شما کارتان را با در انتخاب سخت آغاز کردید: هم رمان نوشتید و هم به موضوع پرمخاطره‌ی مهاجرت پرداختید. چه شد که تصمیم گرفتید نویسندگی را با رمان و چنین ایده‌ای شروع بکنید؟

قبل از نوشتن این رمان، من داستان‌های کوتاه بسیاری نوشته بودم، ولی هیچ‌وقت اقدام به چاپ و انتشار آن‌ها نکردم. موضوع مهاجرت و تجربیات این راه پرفراز و نشیب همیشه برایم بار معنایی بالایی داشت و ذهنم را به خود مشغول کرده بود. حرف‌های زیادی بود که می‌خواستم در قالب داستان به گوش مخاطب برسانم. من فقط قدم در راه گذاشتم و خود قلمه با کلماتی که روی کاغذ نقش می‌بست، من را با خود پیش برد. قصد دنبال کردن روال خاصی را نداشتم، زیرا نویسنده‌ی پیش از آن که مولف اثر باشد، ابزاری برای دریافت آن است. فقط کافی است در راه روی لحظه‌های روشن‌ش الهام باز کند و با ایمان به سوی آن گام بردارد. قلمه من می‌توانست یک داستان کوتاه نباشد یا یک رمان، ولی من فقط با روند این جریان همراه شدم و با هم به این جا رسیدیم. \* شما از دو دهه‌ی پیش به آمریکا مهاجرت کرده‌اید، با توجه به این که زمان حضور در ایران سابقه‌ی کار نوشتن برای مطبوعات داشتید و بسیار هم اهل مطالعه هستید، چرا خیلی دیر (سال ۹۸) برای نوشتن اولین کتاب‌تان اقدام کردید؟

مهاجرت راهی است پر از مشاهدات و تجربه‌های جدید؛ گاهی جالب و شگفت‌انگیز و گاه غمگین و اندوهناک. من در سال‌های اول مهاجرت به دلیل روبرویی با مسائلی بی‌شمار و مسئولیت‌مادری، فرصت و فراغت نوشتن برایم فراهم نبود. هرچند همواره خواندن، پناه امن خستگی‌هایم بود. با گذشت زمان و بزرگ‌تر شدن فرزندانم، دوباره نوشتن را از سر گرفتم. می‌توان گفت زمان قدم‌نهادن در راه نگارش رمان همان وقتی بود که باید اتفاق می‌افتاد، زیرا در یک خلغ اثر، خیلی دیر یا خیلی زود معنا مفهومی ندارد. داستان‌ها و رمان‌ها همه حیات جاودان خود را دارند و در سطوح زیرین هوشیاری ما به سر می‌برند. کافی‌ست گوش بسازیم، با چشم دل ببینیم و آن‌ها در وقت و زمان خود متولد می‌شوند. \* گویسا در نگارش رمان «غربت وطن من است»، از زندگی و تجربه‌های یکی از دوستان‌تان الهام گرفته‌اید. با توجه به این که خودتان هم تجربه مهاجرت و زندگی در غربت را داشتید، چرا داستان خودتان را برای نوشتن داستان دستمایه قرار ندادید؟ آیا سفر آسان و بی‌دردی به آمریکا داشتید؟

طبیعتاً هدف من از نگارش این رمان، بیان مستقیم داستان زندگی خودم نبود، بلکه انتقال خلق و تشعیرین مهاجرت در قالب داستانی بود که هر دو شخصیت‌های آن می‌توانند نمادی از بی‌شمار زنان مشابه باشند. وقتی داستان مهاجرت لیلا، دوست و همکارم را که در داستان «پلاز» نام دارد، شنیدم فکر کردم می‌تواند ایده جالبی برای نوشتن باشد. \* به نظر می‌رسد شخصیت «آرزو» در کتاب

«ماندانا نیک‌اعتقاد» نویسنده ایرانی مقیم آمریکا از «غربت وطن من است» می‌گوید؛

# سفر همیشه بیرونی و از جایی به جایی نیست



هم‌تای خودتان در واقعیت باشد. همین‌طور است؟ بخصوص که آرزو اهل نوشتن است و پیشنهاد می‌کند داستان مهاجرت آبلار را بنویسید. چرا از نام واقعی خودتان در کتاب استفاده کردید؟

به عقیده من، رمان مجموعه‌ای‌ست از تجربیات زیسته نویسنده و تجربیات نریسته‌ای که به صورت خواسته قلبی، آرمان و آرزوی او بوده است. انتخاب نام آرزو هم بی‌دلیل نیست. آرزو و آیلار هر دو بخشی از تجربیات زیسته و نزیسته من هستند. تجربیاتی که گاه به طور غیرعمدی اثرات خود را در داستان نمایان می‌کنند.

\* در نوشتن این کتاب چه قدر به واقعیت‌های خودتان در زبان دوست خود شنیدید و فادار بودید و چه اندازه از تخیل خودتان در داستان بردازی استفاده کردید؟ آیا برای مستندبودن

لحظه‌های کتاب، دربارهی مهاجرت و مسائل آن مطالعه و پژوهش هم داشتید؟

بخشی از داستان کتاب برگرفته از حقایقی بود که لیلا برایم تعریف کرد. هر روز موقع ناهار در کافه‌ستوران نزدیک محل کارمان می‌نشستم و گفتگو می‌کردیم. او اجازه گرفته بودم که گفت‌وگویمان را ضبط بکنم. شب‌ها نتیجه گفتگو را به صورت گزارش می‌خواندم می‌نوشتم و درون‌مایه اصلی داستان بدین‌صورت شکل گرفت. بخش دیگری از داستان حاصل تخیل و اندیشه‌هایم بود اما نه به مقوله خیال‌بافی و پروراندن چیزی غیرواقعی در ذهن. بلکه به معنای تمرکز بر چیزی که آن‌جا حضور داشت و هم‌اکنون نیز حضور دارد. در پاسخ به قسمت دوم پرسش شما، باید بگویم بله، کتاب‌های زیادی مرتبط با موضوع مهاجرت خواندم و بررسی کردم. در مورد تریش و تاریخچه پرحادثش پژوهش کردم. زندگی‌نامه بنهویون و نه سفوفنی را که در طول زندگی‌اش آفرید مورد مطالعه قرار دادم.

\* یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های کتاب، زبان شاعرانه‌ای است که برای توصیف فضا و احساس شخصیت‌ها انتخاب کرده‌اید. حتا در طول داستان، از بسیاری شاعران ایران و جهان نام می‌برید و نمونه‌هایی از اشعارشان را می‌آوردید. نام‌گذاری فصل‌های کتاب هم به اسر اساس نام اشعار سهراب سپهری بوده. دلیل انتخاب چنین زبانی برای نوشتن داستان چیست؟ آیا چون خودتان به شعر علاقه‌مندید، تأثیرش را در کتاب و بیش تر شخصیت «آرزو» می‌بینید؟

من همیشه بر این باور بوده‌ام که شعر بسیار زیباتر و تأثیرگذار از نثر است. شعر یعنی هنر به‌نپوایی. مانند رودخانه‌ای که در زرفای زمین جاری‌ست و همیشه در دسترس نیست و شعر انسان را به اعماق این نهرهای درونی می‌برد تا صدای آن چه را آن‌جا جزئی‌ست، بشنود. صدای پرشور زیبایی‌ها و صدای حزن‌انگیز اندوه را. دوران نوجوانی شعرهای سهراب مرا مسحور می‌کرد و دنیای فکری و ذهنی‌اش مرا متحیر می‌ساخت. بارها می‌خواندمش و هر بار بر حیرتم افزوده می‌شد. او شاعری بود که بن‌مایه شعرهایش عرفان شرق بود. گروهی با او هم‌عقیده نبودند، چون اهل سیاست نبود اما او از انسان و زندگی می‌گفت و به همین دلیل وسیع بود. برخلاف عقیده شاملو که در مخالفت با او گفته بود «شعر باید شیپور و بیدارکننده باشد و نه لالایی»، من فکر می‌کنم بیداری یعنی آگاهی و ادراک شعرهای سهراب، بله! «آرزو» راوی داستان و علاقه او به شعر، بازتاب شخصیت من است و نحوه نام‌گذاری فصل‌ها و انتخاب شعرهایی که در کتاب به آن‌ها اشاره می‌شود همگی با دقت نظر زیادی انجام شده است. \* البته نثر شاعرانه‌ی کتاب بد نیست و خیلی هم زیبا و دل‌نشین از کار در آمده اما شاید در استفاده از آن کمی افراط شده و روایت شما را از داستان گویی دور کرده. خواننده‌ی کتاب هر کجا که شما از نثر شاعرانه فاصله گرفته‌اید و به توصیف‌های واقع‌گرا نزدیک شده‌اید، بیش تر با کتاب ارتباط می‌گیرد. موافقت؟

به عقیده من هر کتابی مخاطب خاص خودش را دارد که بر اساس سلیقه و برداشت‌های شخصی مختلف متمایز می‌شوند. گروهی داستان‌های ساده را می‌پسندند و گروهی دیگر، که شامل خود من هم می‌شود، ادبیات و شعر را جاشنی و ادویه داستان

سفر همیشه بیرونی و از جایی به جایی نیست. سفر حقیقی انسان به درون، رفتنی نیست، بلکه ره‌سپردنی است! اگر بروی حتما می‌رسی، ولی معلوم نیست چگونه و به کجا! اگر ره بسیاری هم حتما می‌رسی. آن‌جا آخرین وادی‌ست. پایان تمام پرسش‌ها، چگونگی و چراها و پایان تمام گنج‌ها و زین‌ها!

\* در پایان کتاب، زنی به نام «رویا» با ورود به اس آنجلس دوباره چرخه بی‌پایان مهاجرت را ادامه می‌دهد. با اشاره به آن زن فقط می‌خواستید بگویید مساله مهاجرت (بخصوص برای زنان) همیشه وجود دارد یا قرار است در آینده داستان رویا را هم بنویسید؟

«رویا» همان‌گونه که از نامش پیداست، یک شخص خاص نیست. رویه آیلار و آرزو نمادی بی‌شمار زبانی هستند که برای ساختن یک زندگی پر از امید، تن به غربت دادند و همگی حلقه‌ای از یک زنجیره عظیم بی‌پایند و این سفر همواره ادامه دارد.

\* برای چاپ کتاب در ایران یا مشکل خاصی روبه‌رو نبودید؟ آیا نوشته‌شته شما در وزارت فرهنگ دچار ممیزی و سانسور نشد؟

اگر بخواهم از مشکلات و موانع چاپ کتاب بگویم، آن قدر زیاد است که می‌شود کتاب دیگری در مورد آن نوشت. مدت بسیار زیادی کتاب در ممیزی به حال تعلیق ماند. ایرادی که گرفتند این بود که کتاب به تبلیغ مسیحیت پرداخته و جوانان را اغوا می‌کند؛ بنابراین بخش‌هایی از کتاب حذف شد و بالاخره با تلاش فراوان و توضیحات بسیار که هدف کتاب، گفتن از مشکلات مهاجرت و سختی‌های این مسیر پرمخاطره است، نه تبلیغ مسیحیت و نه هیچ دین دیگری، مجوز چاپ کتاب توسط وزارت فرهنگ صادر شد.

\* بازخورد کتاب‌تان در آمریکا چطور بود؟ ایرانیان مقیم آمریکا کتاب را خوانده‌اند؟ آیا ارتباطی را که انتظار داشتید، با کتاب برقرار کرده‌اند؟

بازخورد کتاب در آمریکا بهتر از ایران بود! این‌جا به لطف دوستان مهربان و مدیریت شرکت کتاب جلسه رونمایی برای کتاب برگزار شد و دوستان و عزیزان بسیاری کتاب را خریدند و خواندند. همچنین به چند گروه کتابخوانی دعوت شدم که کتاب را خواندند و نظرات موافق و مخالفشان را شنیدم.

\* به فکر ترجمه‌ی کتاب و چاپ آن با زبان انگلیسی هستید؟

خیر، قصد ترجمه کتاب به زبان انگلیسی را ندارم، زیرا معتقدم با ترجمه آن از ارزش ادبی اثر کاسته می‌شود. همان‌گونه که خودتان اشاره کردید کتاب شامل شعرهای زیادی‌ست که تنها زبان غنی و زیبایی فارسی می‌تواند پیام و مفاهیم عمیق آن را انتقال بدهد.

\* بعد از انتشار رمان «غربت وطن من است»، نویسندگی را ادامه دادید؟ آیا کتاب تازه‌ای در حال نگارش یا انتشار دارید؟

بله، «نوشتن» خانه امن و شفای روح و جان من است. نوشتن آرام می‌کند؛ چه به صورت دل‌نوشته‌ای کوتاه یا به صورت داستان کوتاه یا رمان. گویی حرف‌های ناگفته‌ای را برای قلم می‌گویی و بی‌هیچ قضاوتی می‌شود و می‌نویسد. در پاسخ به قسمت بعدی پرسش‌تان باید بگویم، بله، چند داستان کوتاه و داستانی منتشر بکنم.

\* حرف یا نکته‌ی ناگفته‌ای اگر مانده، بفرمایید. در پایان لازم می‌بینم در ارتباط با نام کتاب توضیح کوتاهی بدهم. من می‌پرسیدند «غربت وطن من است» چه معنایی دارد؟ آیا بدین معناست که امروز وطن تو آمریکا و جایی‌ست که زندگی می‌کنی؟ باید بگویم خیر! غربت یک مکان فیزیکی نیست و می‌شود گفت مفهومی متفاوتی‌ست. غربت با تمام تعاریف و احساساتی که برمی‌انگیزد، امروز بخشی‌ست از جان و تن من. دیگر فرقی نمی‌کند خانه من کجای این خاک غریب باشد، زیرا غربت همواره آن‌جا است!

رویداد

نارضایتی بازیگر پیشکسوت از ایفای نقش زبانی که جای می‌آورند و نصیحت می‌کنند!



افشارپناه بازیگر فیلم و سریال‌های تلویزیونی بیان کرد نقش‌هایی که برای سنن و سال او نوشته می‌شوند جذابیتی ندارند و بیشتر زبانی هستند که جای می‌آورند و دیگران را نصیحت می‌کنند. مهوش افشارپناه بازیگر سسینما، تئاتر و تلویزیون درباره حضور کم‌رنگش در تلویزیون به مهر گفت: فیلمنامه پیشکسوت هستند، ما فیلمنامه را درست می‌کنیم و نظرات شما خیلی مهم است اما قصه‌ها به گونه ای است که با دو جمله و سه جمله عوض نمی‌شود. افشارپناه درباره قصه‌ها و شخصیت‌های این روزهای سریال‌ها نیز بیان کرد: در حال حاضر در کشور ما نقش اساسی و پررنگی در سریال‌ها دیده نمی‌شود، بیشتر سریال‌ها درباره مسایل جوانان است یا اگر هم درباره بزرگان است فضایی شعاری دارد. وی اضافه کرد: من فیلم و سریال‌هایی در دهه ۷۰ در نقش مادر بازی کرده‌ام که خیلی هم نقش‌های خوبی بود. هر وقت برخی از این آثار سینمایی به جشنواره می‌رسید نقش‌هایم جزو کاندیدها هم اعلام می‌شد. البته سیمرح هیچ گاه روی شانه ما نمی‌نشست. این را هم بگویم سیمرح چندان مهم نیست همین که کار کنید و دیده شوید جذاب است و مهم نیست حتما سیمرح بگیرد. افشارپناه یادآور شد: من با کارگردان‌های خوبی هم کار کرده‌ام، گاهی اشیاء هم کرده‌ام و شاید در آثار حضور داشته‌ام که نباید می‌بوده‌ام اما در کارهای آبرومندانه‌ای داشته‌ام. بازیگر «این خانه دور است» درباره اینکه چقدر بازیگری برایش منبع درآمد بوده است، اظهار کرد: خوشبختانه هیچ‌گاه به بازیگری اینگونه نگاه نکرده‌ام. الان هم در کرج آموزش بازیگری داریم، هنر‌جوهایی خوبی هم تربیت شده‌اند. در تئاتر هم سالی یک بار کار می‌کردم. خوشبختانه شرایط هم به گونه‌ای بود که نیاز به پول کار نداشتم و به خاطر پول سرر کار نرفتم. ام‌افشارپناه درباره حافظه مردم نسبت به بازی‌های خودش نیز گفت: خوشبختانه هنوز مردم خیلی من را به خاطر یادداشت‌ها عیب‌بده بود به کافه‌ای رفته بودم که در آنجا آقای جوانی من را با سریال «خانه در انتظار» هنوز می‌شناخت یا هنوز من را با سریال‌هایی که بسازی کرده‌ام به یاد می‌آورند که برایم خوشایند است.

نوایی دیگر خاموش شد

ابراهیم نقدیان، نوازنده ویولن، کمانچه و آهنگساز ایرانی درگذشت. ابراهیم نقدیان، هفتم بهمن ۱۴۰۲ بر اثر ایست قلبی در ۶۹ سالگی درگذشت. ابراهیم نقدیان، پنجم مهر ۱۳۳۲ در تهران متولد شد. او موسیقی و نوازندگی ویولن و کمانچه را از هنرمندانی همچون «ماجدی»، اسدالله ملک، علی‌اصغر بهاری، حبیب‌الله بدیعی و پرویز یاحقی آموخت. وی همچنین نواختن سه‌تار را از استاد عیادی فراگرفت. همکاری با گروه‌های موسیقی از جمله شیدا و عارف و هنرمندانی همچون محمدرضا لطفی، پرویز مشکاتیان، علی‌اصغر شاهزیدی و بیش از ۱۰۰ کسرت خارج از کشور، بخشی از فعالیت‌های هنری زندگانه ابراهیم نقدیان بوده است.

## آگهی مناقصه عمومی

### خرید سرور و تجهیزات رایانه‌ای

شهرداری تاکستان در نظر دارد به استناد بند (۲) مصوبه شماره (۲۰۴) شورای اسلامی شهر پروژه خرید سرور و تجهیزات رایانه‌ای به شرح زیر را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکاران واجد شرایط و صلاحیت واگذار نماید.

موضوع مناقصه: خرید سرور و تجهیزات رایانه‌ای – با برآورد اولیه به مبلغ کل ۴۴/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مدت ۲۰ روز. از مناقضیان شرکت در مناقصه دعوت می‌شود، پس از انتشار آگهی جهت دریافت اسناد مناقصه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

مشخصات و توضیحات: کلیه مراحل فرآیند مناقصه شامل دریافت فایل اسناد، ارائه تصویر پرداخت تضمین شرکت در مناقصه، ارسال پیشنهاد قیمت، انصراف از شرکت در مناقصه، بازگشایی فایل پاکات، اعلام به برنده و... در بستر سامانه تدارکات الکترونیکی دولت امکان پذیر می‌باشد.

شرکت‌کنندگان می‌بایست تا ساعت و تاریخ مشخص شده در اسناد پاکات الف- و ب و پیشنهاد قیمت خود را در سامانه ثبت و بارگذاری و اصل پاکت الف را نیز تا مهلت معین شده به دبیرخانه شهرداری تاکستان تحویل نمایند.

شرکت‌کنندگان آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد. شماره ثبت شرکت‌کنندگان مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به عنوان سپرده به صورت نقدی به شماره حساب سپرده IR ۳۷۰۶۱۰۰۰۰۰۰۰۱۰۰۸۰۱۳۲۸۴۶ شهرداری تاکستان نزد بانک شهر واریز یا ضمانت نامه بانکی در وجه شهرداری تهیه و مدارک را ضمیمه پیشنهاد خود نمایند.

شناسه آگهی: ۱۶۵۵۲۰۰ – کیوان رحمانی – شهردار تاکستان



شهرداری تاکستان